

تحلیل تقابل در مؤلفه‌های زبانی دیوان سلیم تهرانی

سمیه عبدالهی نجات*

دکتر محمدرضا زمان احمدی**

دکتر عبدالرضا مدرس زاده***

چکیده

بررسی تقابل‌های دوگانه در آثار هنری و ادبی توجه برخی زبان‌شناسان، اسطوره‌شناسان، روایت‌شناسان و نشانه‌شناسان معاصر را به خود جلب کرده است. آنها بر این عقیده‌اند که از این منظر به درک و دریافت بهتری از آثار ادبی می‌توان دست یافت. در میان شاعران سبک هندی "سلیم تهرانی" از زمره نکته‌پردازان توانمند است که در زمینه‌های گوناگون توانسته مضمون‌های متقابل بدیع و درخور توجهی بیافریند. پژوهش‌هایی که در مورد سلیم تهرانی صورت گرفته عبارتند از: تلمیح در دیوان سلیم از امید روستا و موسیقی کناری و بیرونی در شعر سلیم از مرسته مباشری، ولی در مورد تقابل در آثار سلیم پژوهشی صورت نگرفته است. نگارنده در این مقاله به شیوه اسنادی، کتابخانه‌ای به بررسی تقابل‌های دوگانه یا زوج‌های متقابل - به عنوان یکی از عناصر محوری اشعار او - می‌پردازد. برای این غرض ۱۰۰ غزل از مواضع مختلف دیوان او انتخاب شد. در این غزل‌ها ۳۳۵ مورد تقابل دوگانه، یعنی در هر غزل تقریباً ۳/۴ مورد، دیده شد. این تقابل‌های دوگانه در سه بخش واژگانی و لفظی (۷۰٪)، معنایی و فکری (۸۱٪) و ادبی (۳۱٪) دسته‌بندی شده‌اند. زوج‌های متقابل معنایی در اشعار سلیم بسامد بیشتری دارند. برخی از این زوج‌های متقابل مانند: زهد و شادنوشی، نقص و کمال، تهیدستی و توانگری و... زیر شاخه مفاهیم کلانی است که در دیوان سلیم کاربرد بالایی دارند، سلیم از طریق این تقابل‌ها غزل‌های خود را تشخص خاصی داده و سبک شعری خود را از دیگران متمایز کرده است.

کلیدواژه‌ها: تقابل دوگانه، زوج‌های متقابل، غزلیات سلیم.

* دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد کاشان، دانشگاه آزاد اسلامی، کاشان، ایران. (برگرفته از رساله دکتری)

** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اراک، اراک، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: Dr_zamanahmadi@yahoo.com

*** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کاشان، کاشان، ایران.

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۵/۱۱

مقدمه

در پرورش معانی و خلق مفاهیم ادبی راه‌های مختلفی در اختیار شاعر قرار دارد تا با استفاده از آن‌ها به آفرینش موضوعات مورد نظر خود بپردازد و با بهره‌گیری از عاطفه و خیال در زبان تغییراتی ایجاد کند و با دخل و تصرف خود به سرودن دست بزند. یکی از شیوه‌هایی که شاعران و نویسندگان آگاهانه یا ناآگاهانه از آن بهره گرفته‌اند، استفاده از تقابل‌های دوگانه و زوج‌های متقابل است که در سطح واژگانی و معنایی زبان نمود بیشتری پیدا می‌کند. تقابل معنی وسیع‌تری نسبت به تضاد دارد. «در معنی‌شناسی عمده‌اً از اصطلاح تقابل به جای تضاد استفاده می‌شود، زیرا تضاد صرفاً گونه‌ای از تقابل به حساب می‌آید» (صفوی: ۱۳۸۳، ۱۱۷)

تقابل در روساخت و ژرف ساخت زبان و در ساختار انواع ادبی نیز می‌تواند حضور داشته باشد، مثلاً ژرف ساخت داستان رستم و سهراب علاوه بر سایر عناصر زبانی و ادبی آن، تقابل تجربه پیر و جوان می‌تواند باشد یا در ژرف ساخت بسیاری از اندیشه‌های عرفانی، برتری عالم غیب در مقابل عالم حضور و دنیای مادی دیده می‌شود. تقابل‌های دوگانه در سطوح مختلفی کاربرد دارند که می‌توان به کارکردهای دینی، فلسفی، زبانی، فرهنگی و اجتماعی آن اشاره کرد. در این مقاله با توجه به کاربرد زوج‌های متقابل یا تقابل‌های دوگانه، تأمل دیگری در غزل‌های سلیم خواهد شد تا طرز بهره‌گیری او از این شگرد مشخص شود. چنان که دیده می‌شود، این امر یکی از ترفندهای محوری و اساسی سلیم در سرودن غزلیات است. او به انحای مختلف از دوگانه‌های متقابل در سرودن ابیات سودجسته است و کمتر غزلی در دیوان وی دیده می‌شود که در چندین بیت آن به زوج‌های متقابل معنایی، واژگانی و ادبی برخورد نکنیم.

پیشینه پژوهشی درباره سلیم و دیوان او نشان می‌دهد که در زمینه سبک‌شناسی و اشارات و تلمیحات در دیوان سلیم کار شده، ولی هیچ‌یک از آن‌ها در زمینه تقابل در غزلیات وی در گستره و ابعادی که مقاله حاضر با دسته‌بندی آماری به آن پرداخته متمرکز نشده‌اند. ضروری

است پیش از ورود به بحث اصلی، به اجمال از پیشینه تقابل‌های دوگانه در آثار و جریان‌های ادبی سخن گفته شود.

کلیات تحقیق

پیشینه تحقیق

دیوان سلیم و اشعارش مانند دیگر شاعران مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است و مقالاتی در مورد تحقیق در احوال و آثار و تصحیح دیوان سلیم از رحیم رضا، فرهنگ تشبیهات دیوان سلیم از خردمندپور، نسرین، تلمیح در دیوان سلیم از نصری حسنی، منیره - روستا، امید، بررسی تشبیه و استعاره در غزلیات سلیم از شهبازی، خدیجه نوشته شده. اما تا به حال در مورد بررسی تقابل در غزلیات سلیم تحقیق و پژوهشی صورت نگرفته است که در این مقاله، پژوهشگر ضمن تبیین فلسفه کاربست این عنصر پیوند ساختار کلام با درون مایه آن و در نتیجه رسیدن به فکر و باورها و اعتقادات ذهنی سلیم و گاهی نگاه متفاوت او برخلاف باورهای عامیانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

پرسش تحقیق

بررسی اندیشه‌های شاعران از زوایای گوناگون قابل توجه است. با بررسی آثار شاعران می‌توان به نگاه و تفکرات و شالوده دیدگاه آنان پی برد. شالوده دیدگاه فلسفی سلیم تهرانی را تقابل‌های دو گانه تشکیل می‌دهد. این پژوهش سعی دارد:

نسبت تقابل‌های ادبی با فکرو شخصیت و جغرافیای و روزگار سلیم چیست؟

کدام وضع خاص سلیم، وی را به جای تناسب و مراعات نظیر به تقابل سوق داده است؟ سپس به بیان بسامد انواع تقابل در زبان و اندیشه این شاعر توجه می‌شود. ضروری است پیش از ورود به بحث اصلی، به اجمال از پیشینه تقابل‌های دوگانه در آثار و جریان‌های ادبی سخن گفته شود.

تقابل در مطالعات زبانی و ادبی

وجود نظامی از تقابل‌های دوگانه و نقش آفرینی آن در تولید معنا مورد توجه سایر زبان‌شناسان بوده است. «رومن جاکوبسن^۱ معتقد است که واحدهای زبانی توسط نظامی از تقابل‌های دوتایی به هم مربوط و محدود می‌شوند. این تقابل‌ها در تولید معنا نقشی بنیادی دارند» (چندلر، ۱۳۸۶: ۱۶۰-۳۹۸). دست یافتن به این تقابل‌ها خواننده را به دریافت بهتر از متون هدایت می‌کند و سبب می‌شود او در نقد و تحلیل‌های خود به این دوسویگی و رابطه دوگانه توجه کند. نبی‌لو اعتقاد دارد در معنای قاموسی میان بعضی زوج‌ها تقابل وجود ندارد اما بر اثر تکرار در آثار دیگران ذکر یک طرف، طرف دیگر را تداعی می‌کند و چون از طریق تقابل، مکمل یکدیگر هستند و با هم رابطه رودررویی دارند، می‌توانند در این دسته قرار گیرند. (نبی‌لو، ۱۳۹۲: ۸۸)

در زبان‌شناسی جدید این تقابل و دوگانه‌سازیها، در آرای فردینان دو سوسور در قالب زوج‌هایی نظیر دال و مدلول، در زمانی و هم زمانی و جان‌شینی و هم‌نشینی و... مطرح شد و این نکته در نظر او از شباهت‌های میان نشانه‌ها مهم‌تر بود «سوسور^۲ نیز تمایزات میان نشانه‌ها را مهمتر از شباهت‌های میان آنها می‌دانست» (همان: ۱۵۹)

در بعضی از متون عناصری چون خوبی، راستی و... در مرکز قرار دارند اما در بعضی از متون در حاشیه قرار می‌گیرند؛ این تقابل‌های دوگانه در هر متنی دچار تحلیل و واژگونی می‌شوند و از برتری نقش‌های دیگر می‌کاهند. (ر.ک مقدادی، ۱۳۷۸: ۱۷۰) به اعتقاد دریدا «یکی از دو قطب تقابل، گونه‌ای از شکل افتاده‌ی دیگری است: زشتی به معنی از شکل افتادگی چیز زیباست، بدی به معنی سقوط نیکی است.» (ر.ک احمدی، ۱۳۷۸: ۳۸۴)

در زبان حتی روابطی نظیر جزء و کل، واج و متن، واژه و جمله و... بر نوعی تقابل استوار است. بنابراین، تقابل یکی از محورهای مرکزی شکل‌گیری متون ادبی است. مبنای متون ادبی گاهی بر محاکات، تشابه و تشبیه استوار است و گاهی بر مجاورت و هم‌نشینی و

1. Roman Jacobsen
2. Saussure

گاهی بر تضاد و تقابل. «متون ساخته مجموعه تقابل‌هایی‌اند که در خدمت ساختار قرار دارند و به تثبیت آن یاری می‌رسانند. این تقابل‌ها اکثراً سربسته یا غالباً ناپیدای‌اند برای مثال، ممکن است در استعارات متن پنهان شده باشند - یا در بیشتر موارد تنها یک جزء تقابل دقیقاً ذکر می‌شود و در نتیجه این ذکر دقیق ما می‌توانیم از وجود یک جزء غایب هم آگاه شویم» (برتس، ۱۳۸۴: ۱۴۹) بسیاری از نقادان و نظریه پردازان اخیر به اهمیت نقش تقابل‌های دوگانه پرداخته‌اند و در تحلیل‌های خود آن را مورد توجه قرار داده‌اند. تقابل دوگانه یکی از مبانی اصلی تفکرات ساختارگرایان است. در نظر آنان تفکر انسان بر مبنای این تقابل‌های دوگانه شکل گرفته است و متون و آثار هنری نیز از این امر متأثر هستند.

در مباحث نشانه‌شناسی نیز بررسی و تحلیل روابط زوج‌های متقابل اهمیت دارد، زیرا بسیاری از روابط نشانه‌شناسی بر این مبنا شکل گرفته است. «رولان بارت^۱ بر این باور است که اساس نشانه‌شناسی بر پایه تقابل‌های دوگانه استوار می‌باشد» (عبیدی نیا و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۶) به نظر پسا ساختارگرایان «ما در تقابل‌های دوگانه تنها یک رابطه تقابلی بین دو جزء مورد نظر را نمی‌یابیم، بلکه مشارکت شگفت‌انگیزی نیز بین آن‌ها وجود دارد (برتس، ۱۳۸۴: ۱۵۰) یعنی این رابطه تقابلی ممکن است به کمال و انسجام متون منجر شود. در حوزه ادبیات و هنر نیز حضور تقابل چشمگیر است و در اغلب آثار ادبی تقابل‌های دوگانه‌ای مانند پیری و جوانی، مرگ و زندگی، دوست و دشمن و پیروزی و شکست و... دیده می‌شود. این تقابل‌ها گاه در طی دوره‌های مختلف دگرگون‌چنان که در طول تاریخ ادبیات فارسی، گاهی امور حسی و گاهی امور عقلی غلبه دارد یا شعر زمینی و جسمانی در تقابل با شعر عرفانی و روحانی قرار می‌گیرد. بنابراین، بررسی تقابل‌ها در شعر شاعران، به خصوص اینکه شاعر به چه شکل از تقابل‌ها بهره گرفته است، ما را به ویژگی‌های سبکی، اندیشه و شخصیت او رهنمون می‌سازد و بررسی تقابل‌ها در سطح واژگان، تصاویر ارائه شده و نحوه چیدمان جمله‌ها و... زمینه‌ساز شناخت سبک آن شاعر خواهد بود.

1. Roland Barth

تقابل در شعر سلیم تهرانی

کاوش در غزلیات سلیم نشان می‌دهد که مبنای شکل‌گیری بسیاری از غزلیات او را تقابل دو گانه تشکیل داده است. کمتر غزلی در دیوان او دیده می‌شود که به نوعی تقابل و تضاد لفظی، معنایی و ادبی نداشته باشد. این تقابل‌ها سبب می‌شود که خواننده به آسانی به غرض نهایی شعر او دست نیابد و خود را در لذت هنری خاصی شناور ببیند و هیچ‌گاه به تحلیل نهایی و منحصربه‌فردی از اشعار او نرسد. یکی از رموز ماندگاری اشعار سلیم همین امر است. طبق پژوهش و بررسی در زندگی و آثار سلیم می‌توان یکی از دلایل استفاده زیاد سلیم از تقابل را سفر و دوری از وطن دانست مثلاً در اصفهان با کمک صنعت تقابل شاه صفی را این گونه‌ای ستوده است:

چراغ انجمن روزگار، شاه صفی که چرخ پیر به او راست کرد قد دو تا

(دیوان: ۱۵۰)

وی مانند بسیاری از شاعران دیگر بخاطر وضعیت شاعر پروری و پیشرفت هندوستان عزم سفر به هندوستان را داشت اما از بد حادثه وقتی که سلیم پا به هندوستان گذاشت ایالت

گجرات و دکن در قحط به سر می‌برد وی در ابیاتی به چنین موضوعی اشاره دارد:

چو ما از طالع خود نا امیدیم چنین وقتی به هندوستان رسیدیم

درین کشور همه پامال قحطیم ز بی قدری متاع سال قحطیم

درین قحطی مسلمانان گجرات چو نان بینند، بفرستند صلوات

(همان: ۳۷۳)

بنابراین بر خورد با چنین اتفاقاتی برخلاف آنچه که تصور می‌کرد می‌تواند یکی از دلایل روی آوری وی به صنعت تقابل باشد.

یکی دیگر از دلایل روی آوری سلیم به تقابل اعتقاد و پیروی وی از حافظ بود. سلیم علاوه بر پیروی از سبک و سیاق حافظ به استقبال چندین غزل خواجه پرداخته، حتی در سه مقطع نام حافظ را برده و غزلی با ردیف حافظ دارد. چنانکه می‌دانیم مبنای شکل‌گیری بسیاری از ابیات

حافظ به نوعی تقابل و تضاد لفظی، معنایی و ادبی، نوعی تقابل اندیشه‌های عرفانی و عاشقانه، رندانه و زاهدانه، زمینی و روحانی و مبارزه با تزویر و ریا و... را در خود جای داده است. بنابراین یکی از مهم‌ترین محورهای تقابل معنایی در شعر سلیم به پیروی از حافظ تقابل عناصر تصوف و صوفی‌گری، اهل تزویر و زهد ظاهری با می‌نوشی و مظاهر میخانه و می‌پرستی است.

زاهد چه کند گر نکند روی به مسجد از می‌کده کردست برون باده فروشش
(همان: ۲۵۲)

در بیان دلایل کاربرد تقابل‌های دوگانه در شعر سلیم تهرانی، یادآوری این نکته نیز ضروری است که یکی از ریشه‌های این موضوع به تأثیر نگاه زیباشناسانه وی بازمی‌گردد؛ زیرا بحث تقابل و تضاد در حوزه زیبایی‌شناسی کلام نیز قابل ارزیابی است و کاربرد آنها می‌تواند به مباحث زبانی و موسیقایی کمک کند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سلیم به ساختار آوایی شعر خود توجه ویژه داشته و با به کارگیری گونه‌ای‌های مختلف توازن و تکرار، تلاش کرده است تا موسیقی شعرش را تقویت کند. به عبارت دیگر، حفظ و تقویت ساختار آوایی شعر برای سلیم بسیار اهمیت داشته است و تقابل‌ها یکی از عناصر تشکیل دهنده این ساختار آوایی اند؛ چه، تکرار واژگان متقابل در جای جای غزل بر هم آبی و هماهنگی کلامی می‌افزاید و در نتیجه، به موسیقی شعر کمک می‌کند. سلیم گاهی برای زیبایی بیشتر این هم آبی یک موضوعی را انتخاب و در کل یک غزل به تقابل آن پرداخته است. برای نمونه در یکی از غزلیاتش به تقابل صبح و شب پرداخته است و تقابل‌های موجود در آنها متمایز می‌گردد:

چه ذوق در شب وصل از نظاره صبح است؟	که همچو غنچه دلم پاره پاره صبح است
شب وصالی اگر روز کرده‌ای، دانسی	که آفتاب قیامت ستاره صبح است
ز بیم او نتواند سفید شد هرگز	به حیرتم که شب من چه کاره صبح است
گرفتم آنکه جوان هم شوی پس از پیری	چه اعتبار به عمر دوباره صبح است؟
سلیم هیکل شب شد زهجر او، ورنه	سرشک من گهر گوشواره صبح است

(دیوان: ۷۶)

در این غزلی که آوردیم، ابیاتی با زوج‌های متقابل و دوگانه دیده می‌شود. غالب ابیات این دو غزل دارای چنین تقابلهایی هستند و این امر در اغلب غزل‌های دیگر سلیم وجود دارد. تقابل میان شب/صبح، آفتاب/ستاره، جوان/پیر، وصال و هجر و... که هرکدام از زوجها از جهاتی با همدیگر تقابل پیدا می‌کنند و برخی از این تقابل‌ها فکری و زبانی سلیم را تشکیل می‌دهد. حتی در بعضی موارد سلیم به ایجاد تقابلهایی بر خلاف باورهای عامیانه پرداخته است چنانکه در جایی می‌گوید:

ایمن مشو از خضر که از سادگی او را رهبر تو گمان می‌بری و راهزن توست

(دیوان: ۱۰۷)

در این بیت علاوه بر تقابل رهبر و راهزن سلیم بر خلاف باور عامیانه به هنرنمای پرداخته است. همان طور که می‌دانیم «خضر راهنمای دریاهاست. هر که در دریاها راه را گم می‌کند، او را راه نماید و هر که بمیرد بر او نماز کند. الیاس نیز همین کارها را در بیابان‌ها کند.» (یاحقی، ۱۳۷۵: ۱۸۲) سلیم در این بیت به کمک تقابل برخلاف باور عامیانه خضر را راهزن معرفی می‌کند.

نیست چون شاخ گلم مانع طاعت، مستی ناله مرغ سحر، بانگ نماز است مرا

(دیوان: ۶۲)

چنانکه در بیت بالا دیدیم سلیم برخلاف باور و اعتقاد مردم به تقابل ادبی پرداخته و مستی را مانع طاعت نمی‌داند.

از آن همیشه سر من به زیر بال خود است که از هما به خودم اعتقاد بیشتر است

(دیوان: ۱۴۵)

چنانکه می‌دانیم «هما مرغی است افسانه‌ای همانند سیمرغ که فرخنده فال و پیک سعادت پنداشته می‌شده، قدما معتقد بوده‌اند که مرغی است استخوان‌خوار که جانوری نیاز دارد.» (یاحقی، ۱۳۷۵: ۳۱۷)؛ اما سلیم در بیت بالا خود را در این زمینه مهم تراز هما می‌داند.

تقابل‌های موجود در شعر سلیم را از وجوه مختلفی می‌توان دسته‌بندی کرد، ولی به نظر می‌رسد دسته‌بندی‌های واژگانی، معنایی، فکری و ادبی بهتر نشان دهنده تقابل موجود در شعر سلیم است، زیرا هم به رویه زبان و هم به درونۀ آن (لفظ و معنا) می‌پردازد. این دسته‌بندی‌ها ممکن است هم پوشانی داشته باشند، یعنی دو زوج متقابل را بتوان از چند جهت با هم در تقابل دید، ولی دسته‌بندی حاضر می‌تواند شناخت بهتری از ساختار تقابلی در شعر سلیم به مخاطب نشان دهد. برای این غرض، یکصد غزل از دیوان سلیم تهرانی انتخاب شده است. در این صد غزل حدود ۶۳۷ تقابل دوگانه به دست آمد، یعنی در هر غزل تقریباً (۶/۴) در این بین، ۳۴۷ مورد (۵۴٪) زوج‌های متقابل معنایی است و ۲۲۰ مورد (۳۵٪) از نوع زوج‌های متقابل واژگانی و لفظی است و ۷۰ مورد (۱۱٪) نیز مربوط به تقابل‌های ادبی است.

زوج‌های واژگانی و لفظی متقابل

این زوج‌ها از نظر لفظی و واژگانی در تقابل یا تضاد با یکدیگر قرار دارند. از نظر زبانی و ساختار برخی تقابل‌ها بر حسب وندهای منفی ساز شکل می‌گیرند. «در بسیاری از این جفتها نشان داری زبانی دال‌ها "سلبی" است و شامل فقدان یا غیاب پیشوندها یا پسوندهایی مانند نه، نا یا بی می‌باشد» (چندلر، ۱۳۸۶: ۱۷۰)

با بررسی در ۱۰۰ غزل مورد نظر در دیوان سلیم تهرانی دیده می‌شود که وی این زوج‌های متقابل واژگانی، بسامد نسبتاً بالا را به گونه‌ای‌های متفاوت به کار برده؛ که برخی از آنها کلید ورود به دنیای مفاهیم، معانی و افکار سلیم است. که در ذیل آنها را در قالب دسته‌بندی بیان می‌کنیم.

زوج‌های واژگانی متقابل با تکواژ منفی ساز

شنیده / نشنیده

زحرف وصل بتان آنچه گفته ایم به دل
شنیده و زکرم کرده ناشنیده خدا
(دیوان: ۱)

هنر / بی هنر

جز عیب سلیم اهل حسد کار ندارند
نبود هنری بهتر ازین بی هنران را
(دیوان: ۷۶)

خبر دار / بی خبر

بگذر چو قیامت به سر خاک شهیدان
از خویش خبر دار کن این بی خبران را
(همان)

نومید / امید

سلیم آخر ازین دارالشفا نومید برگشتم
به امید دوا تا چند بتوان خسته بود اینجا
(دیوان: ۲۲)

این گونه‌ای زوج‌های متقابل واژگانی با تکواژ منفی ساز از بسامد پایینی در دیوان سلیم برخوردار است.

زوج‌های واژگانی متقابل در معنای فعل

خریده / فروخته

ازین عزیزی خود را قیاس کن که جهان
ترا فروخته چون یوسف و خریده خدا
(دیوان: ۱)

رفتم / آمدنم

چو رفتم، آمدنم نیست، آفتاب نیّم
فغان که خوب ندانسته روزگار مرا
(دیوان: ۸۶)

فرو رفت / برآرد

اندیشه فرو رفت به دریای می‌خم می

مشکل که برآرد سر ازین آب سلامت

(دیوان: ۳۴۳)

نشناسد / می‌شناس

مرا به رد و قبول زمانه کاری نیست

اگر کسی نشناسد تو می‌شناس مرا

(دیوان: ۸۰)

در ۱۰۰ غزل مورد نظر ۸۲ مورد ۳۵٪ از این نوع تقابل دیده می‌شود.

که این نوع تقابل واژگانی در نقش فعل نیز بسامد پایینی در دیوان سلیم دارد؛ اما یک نوع دیگر تقابل واژگانی در آثار وی یافت می‌شود که بالاترین بسامد انز نظر تقابل واژگانی را به خود اختصاص داده است. که در ذیل به آنها اشاره می‌شود. نمونه‌ها یی نظیر:

جوان / پیر (سلیم: ۱۱۰)، خوب / زشت (همان: ۷۸)، اسیر / آزاد (همان)، رد / قبول (همان: ۸۰)، خنده / گریه (همان: ۶۲)، زخم / مرهم (همان: ۷۰)، شکست / فتح (همان: ۷۴)، مرده / زنده (همان: ۹۰)، ماتم / سور (همان: ۹۰)، خام / پخته (همان: ۱۱۹)، آب / آتش (همان: ۱۲۰)، لاغر / فربه (همان: ۱۳۲) جمع / پریشانی (همان: ۱۲۳)، مهر / کین (همان: ۱۳۷)، پس / پیش (همان: ۲۶۰) بد / نیک (همان: ۲۶۵)، دور / نزدیک (همان)، قوت / ضعف (همان: ۲۷۲).

کهنه / نو، عرب / عجم

جهان کهنه چو نو کرد عادت و خورا

به قبله عربی آورد عجم رو را

(دیوان: ۳)

پنهان / فاش

عشق پنهان فاش خواهد گشت از اهم سلیم

سخت دودی می‌کند این آتش خس پوش ما

(دیوان: ۲۶)

مرده / زنده

سهل باشد مرده را گر زنده می‌سازد سلیم

همچو عیسی از لب او دیده‌ام اعجازها

(دیوان: ۸)

چنانکه در بالا دیدیم، این نوع تقابل‌ها گاهی در ظاهر لفظ نیز آشکار می‌شود و کلمات از طریق وندها یا عناصر منفی ساز و تکواژهای دیگر در تقابل با یکدیگر قرار می‌گیرند. «درواقع مجموعه‌ای از مدلول‌ها را می‌توان به عناصر مفهومی‌ای تقلیل داد که نظامی از مشخصه‌های تقابلی را شکل می‌دهند. اینچنین است که مثلاً "خروس" و "مرغ" به واسطه مشخصه‌های تقابلی مذکر / مؤنث در مقابل هم قرار می‌گیرند... (گیرو، ۱۳۸۳: ۵۳)

زوج‌های متقابل معنایی و فکری

متون یا دیوان‌های عرفانی، تلاشی است برای ایجاد یا کشف وحدت میان تعیینات متکثر که اغلب بر تفاوت و تضاد و تباین استوارند. اساس جهان‌بینی عرفانی، معرفتی است که در برزخ میان عالم معقول و محسوس حاصل می‌شود. به این ترتیب در مبادی عرفان و تصوف فهرستی از دوگتته‌ها وجود دارد که با هم رابطه عمودی دارند. (حیائی، ۱۳۸۸: ۱۳)

در عرفان، بسیاری از مفاهیم مصداق بیرونی ندارند و به‌کارگیری تقابل‌ها سبب می‌شود، درک و دریافت آن‌ها آسان‌تر گردد. (چهری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۵۵)

تقابلی که عمدتاً در معنا خود را نشان می‌دهد، مبین نوعی پیوند میان واژه هاست. این گونه‌ای زوج‌های متقابل بیشترین بسامد را در دیوان سلیم دارند و برخی ریشه‌های فکری اصلی سلیم در این تقابل‌ها نمودار می‌شوند، مواردی مانند زهد و امور متقابل آن، تهیدستی و توانگری، نقص و کمال و... از طریق بررسی این تقابل‌ها می‌توان به دنیای پرمرمزو راز اندیشه سلیم راهی پیدا کرد.

تقابل زهد، صوفیگری و تزویر با سرخوشی و شادنوشی

زهد و زاهد

با خبر باش فریبت ندهدای زاهد می‌دود در رگ و پی، دختر رز شیطان است!

(دیوان: ۶۲)

پیش ساقی لب ز حرف زهد و تقوی بسته‌ایم کاسه زاهد مبادا بر سر ما بشکند!

(دیوان: ۱۵۶)

واژه زهد بعدها تحول معنی یافته و از معنای بی‌رغبتی به دنیا و شهوات به صورت افراط در عبادات و منزهنمائی به کار رفته است. (ر.ک: خرمشاهی، ۱۳۸۳: ۹۷۰)

زاهد از شخصیت‌های منفی و منفور در شعر سلیم است که با عناوینی چون واعظ، شیخ، فقیه، مفتی و... از او یاد شده است. سلیم نیز مانند حافظ با طنز و تعریض از زهد و زاهد سخن می‌گوید و این موضوع در شعر او از بسامد بالایی برخوردار است.

بگذار مرا در خطر میکده زاهد بنشین تو در آن گوشه محراب سلامت

(همان: ۱۳۳)

زاهد چه کند گر نکند روی به مسجد از میکده کردست برون باده فروش

(همان: ۲۵۲)

فغان کنز دیر، زاهد سبجه را بگسسته می‌آرد ز کوی می‌فروشان توبه را بشکسته می‌آرد

(همان: ۱۹۲)

ساقی فکنده از نظر ما بهشت را زاهد همان تو در پی حوری چه فایده

(همان: ۳۱۳)

یکی از مهم‌ترین محورهای تقابل معنایی در شعر سلیم به پیروی از حافظ تقابل عناصر تصوف و صوفی‌گری، اهل تزویر و زهد ظاهری با می‌نوشی و مظاهر میخانه و می‌پرستی است. «سخن از شراب و شرابخواری وسیله‌ای است که حافظ با آن به جنگ ربا و تظاهری می‌رود که خاستگاهش انکار مقام برزخی انسانی و نمود اجتماعی اش عیب پوشی خویش و عیب جوئی از دیگران است» (پورنامداریان، ۱۳۸۴: ۱۷)

درباره دلایل این تقابل مباحث متعددی می‌توان طرح کرد که مجال آن در مقاله حاضر نیست. درهرحال سلیم نیز به مانند حافظ انسان‌ها را به دو دسته کلی تقسیم می‌کند؛ آنان که در نظر او مثبت هستند، اگر چه نمود اجتماعی موجهی نداشته باشند و آنان که در نظر او منفی هستند، اگر چه نمود اجتماعی و ظاهری موجه و مثبتی دارند. «انسان‌هایی که در شعر حافظ

زندگی می‌کنند و گروه‌اند؛ یک گروه آنان که اهل ریا و تزویرند و یک گروه دیگر که صاف و ساده و بی‌ریااند» (همان: ۱۵)

به همین دلیل سلیم نیز به پیروی از حافظ در غزل‌های خود دست به مقایسه این دو طیف می‌زند. اشخاص، مفاهیم، عملکردها، افعال و اوصاف در این دو گانه‌های متقابل مورد نظر سلیم قرار می‌گیرند. ابتدا به برخی از این زوج‌های متقابل اشاره می‌کنیم و سپس چند بیت برای نمونه می‌آوریم:

در می‌کده کس خرقة سالوس نگیرد / این جنس تو صوفی به در صومعه باب است

(دیوان: ۵۹)

در این بیت سلیم خرقة ریایی را مخصوص صومعه و صوفی می‌داند و چون می‌کده از ریا و سالوس به دور است به این موضوع اشاره دارد.

کفر/دین

کفر و دین را عشق صلحی داد کز اندام خود / چون زره کردند جوهر را برون شمشیرها

(دیوان: ۱۰)

فقر و غنا

فقر و غنا از دیگر مسائل مطرح شده در غزلیات سلیم است که می‌توان از آن به منزله یکی از مظاهر اجتماعی نام برد. اما فقر و غنا در شعر و اندیشه سلیم سرچشمه‌های عارفانه و عاشقانه دارد و بیش از جنبه اجتماعی، بر جنبه عرفانی آن تأکید شده است. به هر روی، سلیم نیز به مانند عطار نیشابوری و حافظ شیرازی استفاده فراوانی از فقر و غنا در ایجاد تقابل‌های معنایی کرده است. در ادامه، به بعضی از این تقابل‌ها و نمونه‌هایی از این نوع ابیات اشاره می‌شود.

خواجه / غلام ۲۲ و ۱۱۲، سلطان / پاسبان ۲۲، گدا / شاه ۳۴، فخر / فقر ۷۷، سلیمان /، گدا

۱۰۵، پادشاه / گدا ۲، ۲۵، ۳۶، پیاده / فرزین ۱۳۶، شاه / یاز ۳۵۳، سلطان / پیاده ۵۱۰ و...

گدا/ شاه

- به ماجنس دگر از نقد لطف خود کرامت کن
گدایان توایم، اما نمی‌خواهیم شاهی را
 (دیوان: ۲)
- تو آن شهی که به عالم یگانه‌ای در فقر
 از این چه شد که دور تو صف کشیده سپاه
 (همان: ۳۴۵)
- عافیت خواهی سلیم از فقر روگردان مباش
 مرد درویش از قناعت پادشاهی می‌کند
 (دیوان: ۱۶۳)
- پوست تخت فقر، ما را مسند آزادگی ست
پادشاه وقت خویشیم و جنون دستور ما
 (همان: ۳۱)

ایاز/ محمود

- به پیش اوست سرو عشوه‌آلود
ایازی بر سر پا پیش محمود
 (همان: ۴۱۷)

برتری و نقصان

- غیر خود را چون به من سنجد، که نتوانند زد
با سلیمان لاف همچشمی کبوتر بازها

(دیوان: ۹)

یکی دیگر از موارد تقابل موجود در غزلیات سلیم، که در حیطه تقابل‌های معنایی درخور بررسی است، موضوع برتری و نقصان بین اشخاص و مشاغل و مراتب دینی، دنیایی و عرفانی است. بنابراین توجه به تفاوت مراتب معرفتی و علمی افراد و مقایسه انسان و عوالم دنیوی با موجودات و عوالم غیبی نیز در اشعار سلیم دیده می‌شود؛ البته این نقص و کمال گاهی متوجه امور دنیوی و زندگی روزمره مردم است و گاهی به مراحل شناختی و ابعاد معرفتی انسان معطوف است. نمونه‌هایی از این نوع تقابل‌ها: گدا/ شاه (دیوان: ۳۲۵، ۲)، خام/ پخته (همان: ۲۰)، شمع / چراغ (همان: ۲۳)، تاج / کلاه (همان: ۲۶)، شباب/ پیر (همان: ۲۷، ۵۶)، پا/ سر (همان: ۳۰)، طفل / استاد (همان: ۳۲)، قطره / دریا (همان: ۸۹)، ذره/ خورشید (همان)

وحدت / کثرت، صورت / معنی

از برای رونق وحدت به کثرت جای ماست
عالم صورت به معنی جامهٔ دیبای ماست
(دیوان: ۹۸)

گدا / شاه

به ماجنس دگر از نقد لطف خود کرامت کن
گدایان توایم، اما نمی‌خواهیم شاهی را
(دیوان: ۲)

عدم / وجود

غمش را از عدم با خود دل ما در وجود آورد
در آنجا زخم را بستیم و خون او گشود اینجا
(دیوان: ۲۲)

خام / پخته

خامی از کار جهان، مستان چو آتش می‌برند
باده گردد پخته در میخانه‌ها از جوش‌ها
(دیوان: ۲۰)

قطره / دریا

هر کسی را روزی از یک جا مقرر کرده‌اند
قطرهٔ آبی صدف را نیست از دریا نصیب
(دیوان: ۸۹)

ذره با خورشید اگر چه در اصل مناسبتی ندارد، در سنت ادبی کمال ذره در رسیدن به خورشید است و میان آنها تقابل ایجاد شده است. در ۱۰۰ غزل مورد نظر ۷۴ مورد ۳۵٪ از این نوع تقابل دیده می‌شود.

تقابل در برخی صفات و ویژگی‌ها

در این بخش دو عنصر متقابل از نظر لفظی و معنایی در تقابل یا تضاد قرار ندارند، ولی از نظر برخی ویژگی‌ها و اوصاف در اشعار حافظ با هم در تقابل هستند. این تقابل‌ها در نوع خود بسیار هنری هستند و به دلیل پوشیده بودن و عدم تصریح شاعر نیاز به توجه بیشتر دارند و پس از دریافت رابطهٔ متقابل برای مخاطب جذاب‌تر و هنری‌تر می‌شوند.

اوصافی که سبب ایجاد تقابل در این زوجها می‌شود بسیار متنوع و گاهی جزئی و پوشیده‌اند. این نوع تقابل‌ها در معناشناسی به تقابل ضمنی معروف هستند. در این دسته از واژه‌های متقابل ویژگی‌ای برای هر واژه در نظر گرفته شده است که می‌تواند جزو شرایط لازم و کافی مفهوم آن واژه نیز نباشد. این ویژگی در تقابل با مختصه‌های قرار می‌گیرد که برای واژه دوم در نظر گرفته شده است و به این ترتیب دو واژه مذکور در معنی ضمنی خود در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند (صفوی، ۱۳۸۳: ۱۲۰).

این نوع تقابل‌ها بخشی از تقابل‌های معنایی‌اند که در آنها بین دو طرف تقابل، تضاد بنیادین وجود ندارد بلکه هریک دارای ویژگی‌هایی هستند که باعث تقابل با دیگری شده است. در این دسته از واژه‌های متقابل، ویژگی‌ای برای هر واژه در نظر گرفته شده است که می‌تواند جزو شرایط لازم و کافی مفهوم آن واژه نیز نباشد. این ویژگی در تقابل با مختصه‌ای قرار می‌گیرد که برای واژه دوم در نظر گرفته شده است و به این ترتیب دو واژه مذکور در معنی ضمنی خود، در تقابل با یکدیگر قرار گرفته‌اند (همان).

نمونه‌هایی از این تقابل‌ها در دیوان سلیم عبارت‌اند از:

طوطی / قفس ۳۵، زنده / در گور ۳۵، فهم / دیوانه ۴۷، سنگ / زر ۴۸، عافیت / رسوایی ۵۲، چشم / نابینا ۵۴، چاه / صحرا ۵۵، دریا / تشنه ۵۵، بیننده / دوخته چشم ۶۱، حیران / عقل ۶۱، کافری / دین ۶۸، بیمار / شفا ۷۲، دام / مرغ ۷۲، باز / دام ۵۹، سیاه / ماه ۹۵، مردند / آب، حیوان ۱۰۴، ابلیس / سجود ۱۳۵، بحر / خاکیان ۱۳۶، خون / تیغ ۱۴۰، عیش / مرگ ۱۴۱، نورافشان / ظلمت ۱۹۵.

پرده / دریده

چو گل، سلیم همه پرده گر شود، رسواست کسی که پرده ناموس او دریده خدا

(دیوان: ۱)

عذر / گنه

عذر گنه به حشر بود لطف او سلیم عاجز نمی‌شود دل حاضر جواب ما

(دیوان: ۵)

همصحبت / تنهایی

متاب روی زهمصحبتان که تنهایی لطیفه‌ای ست که از بهر خود گزیده خدا
(دیوان: ۶)

در ۱۰۰ غزل مورد نظر ۵۷ مورد ۳۵٪ از این نوع تقابل دیده می‌شود.

تبدیل و دگردیسی

یکی دیگر از تقابل‌های فکری معنایی در دیوان سلیم تبدیل و دگردیسی می‌باشد که چیزی مادی یا معنوی زمینی یا آسمانی تحت شرایطی با پرورش دادن به یه چیز دیگر تبدیل شود این نمونه تقابل شاید در بعضی موارد بی ربط به نقصان و کمال نیز نباشد. نمونه‌هایی از این نوع تقابل عبارتند از:

خاک / مهر

وجود خاکی ما مهر سجده ملک است به حیرتم که درین مشتم گل چه دیده خدا
(دیوان: ۱)

حباب / آب

به خاک هند مرا تاب زیستن ز کجاست که چون حباب مرا زندگی به آب و هواست
(دیوان: ۲۲۴)

طناب / پنبه

زدیگری چه کنی شکوه بی سبب منصور طناب دراتو از پنبه دکان خود است
(دیوان: ۲۶۶)

در ۱۰۰ غزل مورد نظر ۴ مورد ۴٪ از این نوع تقابل دیده می‌شود.

تقابل ادبی

این نوع تقابل‌ها برگرفته از سنت ادبی رایج در میان شاعران است و سلیم نیز در غزل‌های خود از این زوج‌های متقابل بهره گرفته است. در معنای قاموسی میان این زوج‌ها تقابل وجود ندارد، اما بر اثر تکرار در آثار دیگران ذکر یک طرف، طرف دیگر را تداعی می‌کند و چون از طریق تقابل مکمل یکدیگر هستند و با هم رابطه رودرویی دارند، می‌توانند در این دسته قرار گیرند.

گل / عندلیب

تقابل گل و عندلیب یا بلبل، عاشق و معشوق و شمع و پروانه به گونه‌ای است که میان آن‌ها در سنت ادبی رابطه عاشقانه نیز ترسیم شده است. معمولاً این دو کلمه در یک ساختار عاطفی و با وجود تقابل مکمل یکدیگر می‌شوند.

ناقوس بت پرستی ما زنگ حیدری ست از شوق اوست در پی گل عندلیب ما
(دیوان: ۳)

گندم / آسیا

دگر از بیم هرگز چشم نگذارد به هم گندم اگر در خواب بیند همچو گردون آسیایی را
(دیوان: ۶)

دیر / کعبه

تا چند دیر و کعبه مخوان این فسانه را همچون کمان حلقه یکی کن دو خانه را
(دیوان: ۷)

بلبل / غنچه

معشوق پاسبانی ما عاشقان کند بلبل ز غنچه قفل زند آشیانه را
(همان)

کبک / باز

ای ز چشمت خفته در چشم غزالان نازها بسته رفتار خوشت از کبک، چشم بازها
(دیوان: ۸)

تقابل صنایع ادبی

بسامد استفاده از تقابل در دیوان سلیم به خصوص در تلمیح تا حدی است که این تقابل‌ها در ساختار صورخیال شاعر نیز تأثیر به‌سزایی دارند و گاه در به وجود آمدن بعضی آرایه‌ها و صنایع ادبی نقش مؤثر ایفا می‌کنند. به عبارت دیگر، شاعر با استفاده از این تقابل‌ها، علاوه بر بیان مضمون مورد نظر خود، بر غنای ادبی کلام خود نیز می‌افزاید. در ادامه، به برخی صنایعی که از رهگذر کاربرد این تقابل‌ها در شعر سلیم به وجود آمده‌اند اشاره می‌کنیم.

تلمیح

- وجود خاکی ما مهر سجده ملک است
به حیرتم که درین مشتمت گل چه دیده خدا
(دیوان: ۱)
- الهی دور دار از ما غرور بسی گناهی را
به سوی خویش خضر ماکن این گم کرده راهی را
(دیوان: ۲)
- زمانه کیست که منصور را به دار کشد
به این وسیله به سوی خودش کشیده خدا
(دیوان: ۶)

تشبیه

- خُم نشسته همچو محمود و به خدمت پیش
او شیشه سبز ایستاده بر سر پا چون ایاز
(همان: ۲۴۴)
- چون نشینم از پی آسودگی، کز شوق او
همچو افلاکم رسیده هفت اعضا بر زمین
(دیوان: ۸۵۵)

لف و نشر مشوش

- گر نباشد تیر او در سینه، نگشاید دلم
نسبت پیکان او با دل چو فعل است و کلید
(دیوان: ۴۷۹)

نتیجه

بررسی زوج‌های متقابل و تقابلی‌های دوگانه در مطالعات قرن بیستم بسیار مورد توجه زبان‌شناسان، نقادان، نشانه‌شناسان، روایت‌شناسان و... قرار گرفت و مکاتب مختلف ادبی به نوعی این امر را در مطالعات و پژوهش‌های خود در نظر می‌گرفتند. چنانکه در مقاله حاضر دیده شد، زوج‌های متقابل و قرینه‌سازی ناشی از آن، یکی از شگردهای اصلی سلیم است. وی با این شگرد به خوبی زبان سخن خویش را با عینیت زندگی پیوند داده است. این امر از تمام آرایه‌ها و ترفندهای ادبی در غزلیات او بسامد بیشتری دارد. با بررسی ۱۰۰ غزل از دیوان او ۳۳۶ تقابل دوگانه، یعنی در هر غزل تقریباً تعداد $\frac{6}{4}$ مورد دیده می‌شود. با توجه به نمودار ۱ دیده می‌شود که سلیم از نظر واژگانی و لفظی (۸۲ مورد)، از نظر معنایی و مفهومی (۷۴ مورد) و از نظر ادبی (۳۱ مورد) از این تقابلی‌ها بهره گرفته است. سلیم به خوبی زبان شعرش را با تقابلی‌های دوگانه وفق داده است، بدان گونه‌ای که محور اندیشگی بیشتر غزلیات او، چه از نظر ساختاری و چه از نظر محتوایی، عنصر تقابل است. بسامد بالای این تقابلی‌ها نشان دهنده آن است که سلیم آگاهانه و به عنوان شگردی ادبی و زبانی از آن‌ها سود جست‌ه است. اهمیت این بررسی چنان است که از طریق مطالعه این تقابلی‌ها می‌توان به بسیاری از خوشه‌های فکری و زیربنایی ذهن او پی برد. توجه زیاد این شاعر به تقابل، به عواملی همچون سفر و دوری از وطن، تأثیر محیط و اجتماع عصر زندگی او، مضامین عرفانی و صوفیانه، مفاهیم دینی و اخلاقی، توجه به ساختارزیباشناختی و موسیقی کلام و... مربوط است.

منابع و مآخذ

- ۱- احمدی، بابک. ساختار و تاویل متن. تهران: مرکز، ۱۳۷۸.
- ۲- برتنس، هانس مبانی نظریه ادبی. ترجمه محمدرضا ابوالقاسمی. تهران: انتشارات ماهی، ۱۳۸۴.
- ۳- برسلر، چالز. درآمدی بر نظریه‌ها و روش‌های نقد ادبی.. ترجمه مصطفی عابدینی فرد، تهران، انتشارات نیلوفر، ۱۳۸۶.
- ۴- پورنامداریان، تقی. گمشده لب دریا. چاپ دوم، تهران: نشرسخن، ۱۳۸۴.
- ۵- حیائی، زهرا. بررسی نشانه‌شناختی عناصر متقابل در تصویرپردازی اشعار مولانا. نقد ادبی، سال دوم شماره ۲۴-۲۷.
- ۶- خرمشاهی، بهاء‌الدین. حافظ‌نامه. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۳.
- ۷- چندلر، دانیل. مبانی نشانه‌شناسی. ترجمه مهدی پارسا. تهران: سوره مهر، ۱۳۸۶.
- ۸- چهری، طاهره، غلامرضا سالمیان و سهیل یاری. تحلیل تقابلی‌ها و تضادهای واژگانی در شعر سنایی. پژوهش ادبی - عرفانی (گوهر گویا)، سال هفتم، شماره دوم، پیاپی، ۱۳۹۲.
- ۹- سلیم تهرانی، محمدقلی. دیوان. با مقدمه و تصحیح محمد قهرمان، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۵.
- ۱۰- صفوی، کوروش. درآمدی بر معنی‌شناسی. تهران: انتشارات سوره مهر، ۱۳۸۳.
- ۱۱- عبیدی‌نیا، محمدمیر و دیگران. بررسی تقابلی‌های دوگانه در ساختار حدیقه سنایی. فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۳، (۱۳۸۸)، ۲۵-۴۲.
- ۱۲- گیرو، پی یر. نشانه‌شناسی. ترجمه محمد نبوی، تهران: انتشارات آگه، ۱۳۸۳.
- ۱۳- مقدادی، بهرام. فرهنگ اصطلاحات نقد ادبی، از افلاطون تا عصر حاضر. تهران، فکر روز، (۱۳۷۸)
- ۱۴- نی‌لو، علیرضا. «بررسی تقابلی‌های دوگانه در غزل‌های حافظ» زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خوارزمی، سال بیست و یک، شماره ۷۴، (۱۳۹۲)
- ۱۵- یاحقی، محمدجعفر. فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی. تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۵۷.

Contrast analysis in the linguistic components of Salim Tehrani Divan

Somayeh Abdollahi Nejat*

MohammadReza ZamanAhmadi Ph.D.**

AbdolReza Modareszadeh Ph.D.***

Abstract

The study of dual confrontations in works of art and literature Attention of some linguists, mythologists, narratologists And has attracted contemporary semiotics. They are of the opinion that from this perspective to understand and receive Better than literary works can be achieved. Among the Indian style poets, "Salim Tehrani" is one of the commentators Has the ability to create innovative and noteworthy reciprocal themes in a variety of fields. Research What has been done about Salim Tehrani are: A hint in Salim's Divan about the hope of the village and the music outside and outside in Salim's poem is from Mercede Mobasheri, but no research has been done on the contrast in Salim's works. The author in this article to Documentary method, a library for studying dual interactions or reciprocal pairs - as one of the central elements He pays attention to his poems. For this purpose, 4 lyric poems were selected from different positions of his divan. In these lyric poems, 335 cases Dual contrast, ie approximately 3.3 cases, was seen in each sonnet. These dual contrasts in the three lexical sections and Verbal (70%), semantic and intellectual (81%) and literary (31%) are classified. Semantic reciprocal pairs in poems They have more common health. Some of these reciprocal couples such as: asceticism and happiness, imperfection and perfection, poverty and Wealth and ... are the sub-branches of big concepts that have a high application in Salim Divan, Salim through this confrontation He has distinguished his sonnets and distinguished his poetic style from others.

Keywords: double confrontation, reciprocal couples, sound lyric poems.

* PhD student, Department of Persian Language and Literature, Kashan Branch, Islamic Azad University, Kashan, Iran. (Adapted from doctoral dissertation)

** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Arak Branch, Arak, Iran. (Author)

Email: Dr_zamanahmadi@yahoo.com

*** Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Kashan Branch, Kashan, Iran.